گذر

ستاد تنظیم بازار، نرخ مرغ را ۸۱۷۵ تومان ابلاغ کرد

● درحالی‌که ستاد تنظیم بازار مدتی قبل با نرخ ۹هزارو ۲۵۰ تومان برای هر کیلو مرغ موافقت کرده بود و فعالان این بخش منتظر ابلاغ این نرخ بودند، این ستاد چند روز پیش نرخ هشت‌هزارو ۱۷۵ تومان را ابلاغ کرد. محمد یوسفی، رئیس انجمن پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی، در گفت‌وگو با مهر اظهار کرد: این قیمت با اعتراض تولیدکنندگان و فعالان صنعت مواجه شده است. او با اشاره به اینکه پیشنهاد ما برای قیمت مرغ ۹هزارو ۵۰۰ تومان بوده است، افزود: دولت قیمت را مانند سال گذشته، ۹ درصد افزایش داده درحالی‌که نرخ نهاده‌ها حداقل ۶۰ درصد افزایش یافته است.

خوراک ارزان، درآمد نجومی

● به گفته کارشناسان صنعت پتروشیمی، یکی از سیاست‌های کمکی به دولت برای مدیریت بازار ارز می‌تواند محاسبه نرخ خوراک پتروشیمی به قیمت دلار بازار ثانویه باشد. به گزارش مهر، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین صادرکنندگان کشور، پتروشیمی‌ها هستند و همکاری‌نکردن آنها می‌تواند موجب آسیب به سیاست‌های ارزی دولت و تشدید وضعیت آشفته بازار آن شود. بر همین اساس، معاون‌اول رئیس‌جمهور جلسه‌ای با اعضای انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی در تاریخ شش خرداد برگزار کرد تا آنها را قانع کند ارز صادراتی خود را در سامانه نیما با نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان به ریال تبدیل کنند. در آن جلسه، پتروشیمی‌ها برای دولت شرط گذاشتند که تا زمانی که خوراک واحدهای پتروشیمی با نرخ سه‌هزارو ۸۰۰ تومان محاسبه نشود، پتروشیمی‌ها ارز خود را با نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان به سامانه نیما نمی‌آورند. درحالی‌که واردات بسیاری از محصولات اساسی و ضروری مانند دارو با تخصیص ارز چهارهزارو ۲۰۰تومانی انجام می‌شود، دولت در کمال ناباوری بر اساس مصوبه شماره ۳۵۵۴۹ مورخه ۹۷/۳/۲۴ پذیرفت خوراک پتروشیمی‌ها با ارز سه‌هزارو ۸۰۰ تومان محاسبه شود. فارغ از بار مالی سالانه سه هزار میلیارد تومانی بر دوش دولت که نتیجه اختلاف ۴۰۰تومانی این دو نرخ ارز است، باید به این نکته توجه داشت که چرا پتروشیمی‌هایی که خوراک خود را از وزارت نفت دریافت می‌کنند، می‌توانند دولت را متقاعد به اتخاذ سیاست‌هایی در راستای اخذ سود بیشتر کنند. البته طبق اظهارات کارشناسان این حوزه، دولت به شرط ارائه ارز پتروشیمی‌ها در سامانه نیما، خوراک پتروشیمی‌ها را با ارز سه هزارو ۸۰۰ تومان محاسبه می‌کند که البته به این مقوله در مصوبه دولت اشاره‌ای نشده است. با بررسی دقیق اتفاقات و رفتار پتروشیمی‌ها از زمان تک‌نرخی‌شدن ارز تاکنون، می‌توان سیاست‌های پتروشیمی‌ها برای کسب سود بیشتر را در دو مرحله تحلیل کرد: با گذشت بیش از یک ماه از اجرای مصوبه ۳۵۵۴۹، پتروشیمی‌ها یا ارز خود را در سامانه نیما عرضه نکردند یا با روش‌های مختلفی تلاش کردند که این سامانه را دور بزنند. به گفته برخی کارشناسان این حوزه، علت اصلی همکاری‌نکردن پتروشیمی‌ها با دولت، تفاوت حداقل چهار هزار تومانی ارز در بازار آزاد (قاچاق) با ارز تک‌نرخی چهار هزارو ۲۰۰ تومان بود و این واحدها نمی‌توانستند از سود فراوان ناشی از این اختلاف قیمت صرف نظر کنند و از آنجا که در زمان اعلام مصوبه ۳۵۵۴۹ مبنی بر محاسبه خوراک با نرخ ارز سه هزارو ۸۰۰ تومان، اختلاف نرخ ارز مصوب چهار هزارو ۲۰۰ تومان با بازار آزاد هم حدود چهار هزار تومان بوده است، سؤال پیش می‌آید که با توجه به آگاهی دولت مبنی بر اختلاف زیاد این دو نرخ ارز، با چه منطقی این مصوبه را به نفع پتروشیمی‌ها صادر کرده است؟ در واقع، پتروشیمی‌ها با وجود دریافت این امتیاز ویژه همچنان حاضر به همکاری با دولت در راستای حفظ منافع ملی نشدند و صرفا در راستای حداکثرسازی منافع صنفی خود حرکت کردند؛ بدون آنکه هیچ نگرانی‌ای درباره هزینه‌های سنگین تحمیل‌شده به اقتصاد کشور به‌دلیل عملکردشان داشته باشند. این موضوع با انتقاد گسترده کارشناسان و نمایندگان مجلس مواجه شد؛ برای مثال، محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، در تاریخ سوم تیر درباره این موضوع در یک برنامه تلویزیونی گفت: شرکت‌های پتروشیمی که خوراکشان را با نرخ دولتی تهیه می‌کنند، درحال‌حاضر به روش‌های مختلف اقدام به دورزدن سامانه نیما می‌کنند، گزارش موثق داریم که پتروشیمی‌ها گفته‌اند: ارز حاصل از صادرات خود را تحویل می‌دهیم، اما مابه‌التفاوت نرخ ارز را از خریدار ارز دریافت می‌کنیم. داوود محبی، کارشناس حوزه پتروشیمی، در گفت‌وگو با مهر با بیان اینکه ارز پتروشیمی‌ها در سامانه نیما به‌دلیل اختلاف زیاد نرخ سامانه نیما با بازار آزاد (قاچاق) عرضه نشده است، گفت: به دلیل این اختلاف قیمت، پتروشیمی‌ها مجددا شرط دیگری برای دولت گذاشتند. به‌این‌ترتیب که پتروشیمی‌ها فقط در صورت ارائه ارز خود در بازار ثانویه، حاضر به برگرداندن ارز خود به کشور شدند و از آنجا که در فضای اقتصادی فعلی کشور دولت توانایی کنترل قیمت ارز در بازار را ندارد، به احتمال فراوان این شرط پتروشیمی‌ها نیز از سوی دولت پذیرفته می‌شود.

با افزایش ۴۸ درصدی هزینه‌ها نسبت به دی‌ماه، میلیون‌ها کارگر به زیر خط فقر سُر خوردند

فریز دستمزدها

محمد مساعد: تنها پنج ماه پس از آنکه جدال چندجانبه در شورای‌عالی کار بین نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت بر سر تعیین حداقل دستمزدهای سال ۹۷ در وقت‌های اضافه ایام عید با رسیدن به توافقی شکننده پایان یافت، شوک تورمی حاصل از سقوط ارزش ریال در این ماه‌ها هرآنچه را نمایندگان کارگری در چند سال اخیر برای نزدیک‌کردن دستمزد کارگران به حداقل‌های زندگی رشته بودند پنبه کرد. قدرت خرید دستمزدبگیران ایرانی در کمتر از سه ماه به شرایطی بدتر از سال ۱۳۹۱ سقوط کرد و میلیون‌ها ایرانی را به زیر خط فقر هل داد. در چنین شرایطی کاهش قدرت خرید دستمزدبگیران و افراد تحت پوشش آنها که جامعه‌ای حداقل ۴۰ میلیون‌نفری را تشکیل می‌دهند هم‌زمان با کاهش تقاضا در بازار برای کالا و خدمات وضعیتی را پدید آورده که از یک سو زندگی حداقلی میلیون‌ها کارگر را تهدید می‌کند و از دیگر سو کارفرمایان را در منگنه قرار داده است. آنچه در ادامه می‌خوانید نظر نمایندگان کارگری و کارفرمایی درباره شرایط موجود و راهکارهای خروج از آن است. در شماره فردا نیز نظر یک اقتصاددان و یک پژوهشگر حوزه کار را درهمین‌باره خواهید خواند.

لزوم افزایش فوری دستمزدها

علی خدایی
نماینده کارگران
در شورای‌عالی کار کشور

در روزهای پایانی سال ۹۶ و ابتدای سال ۹۷ مذاکرات مزدی سه‌جانبه در حال انجام بود و بیش از دو ماه تلاش و مذاکرات و جلسات متعدد نهایتا افزایش ۱۹.۵ درصدی حداقل دستمزد کارگران را رقم زد. با توجه به رقم سبد معیشت که در کارگروه سه‌جانبه دستمزد مبلغ دو میلیون و ۶۷۰ هزار تومان تعیین شده بود، رقم مزد تعیین‌شده در حالت حداقلی و برای یک کارگر با متوسط خانوار ۳.۳ نفری حدود یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان؛ یعنی معادل ۵۰ درصد هزینه‌های زندگی بود. بنا بر آمار موجود، قسمت عمده عقب‌افتادگی دستمزد کارگران از هزینه‌ها، مربوط به سال‌های پس از آزادسازی قیمت‌ها و حذف یارانه‌ها در پوشش هدفمندکردن آن بود و شوک بزرگ آن دقیقا در سال ۹۱ هم‌زمان با افزایش شدید و چندبرابرشدن نرخ ارز در آن مقطع اتفاق افتاد. با توجه به افزایش قیمت شدید در همه ردیف‌های هزینه‌ای و حتی نهاده‌های تولید و خدمات در کشور متأسفانه سیاست فریز و سرکوب بیشتر دستمزد برای چندین سال تا به امروز شکافی عمیق را بین دستمزد و هزینه‌های زندگی موجب شد که در سالیان اخیر تمام تلاش‌های گروه‌های کارگری برای جبران آن بی‌نتیجه ماند و عملا تنها توانسته بودیم حدود ۱۳ درصد از شکاف ۶۳ درصدی ایجادشده در سال ۹۱ را تا ابتدای سال ۹۷ پر کنیم و کماکان فاصله‌ای ۵۰ درصدی بین دستمزد کارگران و هزینه‌های زندگی باقی بود، اما با موج جدید افزایش نرخ ارز و طلا و گرانی‌های اخیر تحمیل‌شده به جامعه در چندماهه ابتدای سال جاری به‌عنوان شوک دوم، عملا نه‌تنها تمام رشته‌ها را پنبه کرد، بلکه منجر به سقوط آزاد قدرت خرید کارگران و ایجاد شکاف عمیق‌تر بین حداقل مزد و هزینه‌ها شد.

بررسی‌ها و مطالعات ما در کمیته دستمزد کانون‌عالی شوراهای اسلامی کار کشور که به صورت مقایسه‌ای بین دو مقطع هفته آخر دی‌ماه (هفته مورد مطالعه برای تعیین سبد معیشت در سال ۹۶) با هفته اول تیرماه ۹۷ انجام شد، حکایت از افزایش ۴۸.۲ درصدی هزینه‌های خانوار دارد و هزینه‌های زندگی در ابتدای تیرماه سال ۹۷ با همان جدول مورد توافق کارفرمایان و دولت مبلغ سه میلیون و ۹۵۶ هزار تومان را نشان می‌دهد و این به این معنی است که درآمد یک میلیون و ۳۵۰ هزارتومانی کارگران تنها قادر است ۳۴ درصد از نیازهای ماهانه یک خانوار را تأمین کند. همان‌گونه که در بالا اشاره کردم، در سال ۹۱ شکاف بین حداقل‌های زندگی و دستمزد به رقم ۶۳ درصد رسیده بود، ولی اکنون این شکاف ۶۶ درصد است و معنای این اعداد این است که ثمره تمام تلاش‌های گروه‌های کارگری و دولت برای پرکردن شکاف از طریق افزایش قطره‌چکانی حداقل دستمزد بیشتر از نرخ تورم در پنج سال گذشته نه‌تنها از بین رفته است، بلکه به نقطه پایین‌تر از زمان آغاز بازگشته‌ایم و نباید از نظر دور داشت که مقطع هفته پایانی تیرماه نیز اوج تأثیر نوسانات بر معیشت مردم نبوده است و این روند ادامه دارد و قطعا درحال‌حاضر وضعیت می‌تواند به مراتب بدتر از آمار ارائه‌شده باشد.

با توجه به توضیحات بالا پرواضح و روشن است که ادامه روند فعلی برای حقوق‌بگیران، به‌خصوص کارگران بدون ترمیم قدرت خرید ازدست‌رفته امری ناممکن و غیرقابل قبول و تحمل خواهد بود و لزوم همراهی دولت و کارفرمایان در این زمینه امری اجتناب‌ناپذیر است. به اعتقاد من بهترین و مناسب‌ترین زمان برای افزایش دستمزد نیز دقیقا همین روزهاست. برخی کارفرمایان و گاهی دولت باز هم با اشاره به وضعیت بد اقتصادی افزایش دستمزد را امری غیرممکن قلمداد می‌کنند که به‌هیچ‌وجه توجیهات مطرح‌شده مورد قبول ما نیست. در شرایطی که در کنار فشارهای وارده بر معیشت مردم، تمامی نهاده‌های تولید در کشور شاهد افزایش حتی تا ۳۰۰ درصدی قیمت هستند، فریز دستمزد به‌عنوان یکی از نهاده‌ها چرا و چگونه باید اتفاق بیفتد؟ سؤالی که باید پاسخ داده شود این است که تولیدکنندگان محترم که هم در مقطع سال ۹۱ و هم در ابتدای سال ۹۷ افزایش سرسام‌آور نرخ مواد اولیه را، آن هم بدون هیچ برنامه قبلی تاب آورده‌اند، چرا نمی‌توانند افزایش برنامه‌ریزی‌شده دستمزد را تاب بیاورند؟

این در حالی است که متوسط سهم دستمزد در قیمت تمام‌شده کالا پنج درصد (که البته درحال‌حاضر باید باز هم کاهش یافته باشد) و سهم مواد اولیه در تولید حدود ۴۰ درصد (که درحال‌حاضر باید افزایش یافته باشد) است.

تلفیق اتفاقات سال ۹۱ با شرایط فعلی در این یادداشت به این منظور است که از گذشته نه‌چندان دور درس بگیریم و اشتباهات آن را مجددا تکرار نکنیم. نگاهی به آمار مقایسه‌ای سرانه مصرف برخی اقلام خوراکی بین سال‌های ۸۴ تا پایان سال ۹۱ نشان می‌دهد که کاهش قدرت خرید مردم منجر به کاهش مصرف ضروری‌ترین نیازهای آنها در این سال‌ها شده است، حال با درنظرگرفتن این آمار می‌توانیم حدس بزنیم که در سایر ردیف‌های هزینه‌ای چه اتفاقاتی رقم خورده است. کاهش قدرت خرید مردم یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد رکود در اقتصاد کشور در سال‌های اخیر بوده است که متأسفانه مسئولان محترم کمترین توجه را به این نکته داشته‌اند. همچنین تأمین‌نشدن معیشت و ناامنی فکری ایجادشده به‌واسطه آن نیز تأثیرات بسزایی را در تغییر رفتار اجتماعی مردم پدید آورده است که متأسفانه به دلیل کم‌توجهی مسئولان بلندپایه کشور به علوم اجتماعی ایجاد شده است. تحلیل این نوع تغییرات همواره به بیراهه رفته و علت‌العلل آن یعنی تأثیر اقتصاد بر اجتماع نادیده گرفته می‌شود. هرگز نباید از نظر دور داشت که موضوع مطلب ما بیش از ۴۲ میلیون نفر یعنی بیش از نیمی از جمعیت کشور را در بر می‌گیرد و غفلت از مشکلات آنها می‌تواند باعث بروز مشکلاتی شود که قطعا کل کشور از آن متأثر خواهد بود.

با توجه به مطالب عنوان‌شده و همچنین تکلیف مقرر در بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار که می‌گوید: «در هر صورت مزد تعیین‌شده، بدون درنظرگرفتن ویژگی‌های جسمی، روحی و نوع کار محوله باید به قدری باشد که حداقل‌های نیاز یک خانواده را تأمین کند»، دولت و کارفرمایان محترم مکلف‌اند دقیقا در همین مقطع نسبت به ترمیم مزد کارگران اقدام کنند و این امر را به وقت دیگری موکول نکنند؛ چراکه اولا تجربه سال ۹۱ گویای این حقیقت است که عملا با افزایش قطره‌چکانی دستمزد نمی‌توان شکاف‌هایی با این عمق را پر کرد. ثانیا در این شرایط که مؤلفه‌هایی چون نرخ ارز، سکه و... عنان اقتصاد و نرخ تورم را در دست دارند، افزایش دستمزد نمی‌تواند منجر به افزایش نرخ تورم شود و این بهانه نیز از مخالفان افزایش دستمزد گرفته شده است.

عکس: ابوالفضل عرب‌جوادی، میزان

دولت باید کمک کند

حسین سلاحورزی
نماینده کارفرمایان
در شورای‌عالی کار

نکته‌ای که در زمینه وضعیت معیشت کارگران در شرایط فعلی می‌توان به آن اشاره کرد، ذکر این واقعیت است که به دلیل کاهش ارزش پول ملی در ماه‌های گذشته، معیشت کارگران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تولید، مانند دیگر بخش‌های اجتماع با اختلالاتی مواجه شده و متأسفانه به‌واسطه آن، قدرت خرید کارگران نیز در ماه‌های اخیر به شدت کاهش پیدا کرده است. هنگامی که از کاهش قدرت خرید کارگران سخن می‌گوییم، لازم است به این نکته نیز توجه کنیم که این مشکلات اقتصادی فقط به کارگران فشار وارد نمی‌کند و کارفرمایان نیز در طول این ماه‌ها تحت فشارهای شدیدی قرار داشته و دارند. از ابتدای سال جاری ما با موضوع افزایش دستمزد کارگران مواجه شدیم. از یک فروردین ۱۳۹۷ بنا بر تصمیم شورای‌عالی کار افزایش ۲۰درصدی حداقل دستمزد کارگران را شاهد بودیم و کمی بعد نیز افزایش ۱۵درصدی سوخت و سپس با اعتصاب رانندگان کامیون افزایش متوسط ۳۰ تا ۴۰درصدی هزینه حمل‌ونقل از چند جهت فشارهای سنگینی به کارفرمایان کشور وارد شد. با افزایش قیمت دلار هم قیمت مواد اولیه وارداتی و هم قیمت محصولات صنایع بالادستی داخلی اعم از پتروشیمی‌ها و فولادها و آلومینیوم و مس افزایش یافت و این افزایش شایان‌توجه قیمت تولیدات صنایع بالادستی و مواد اولیه وارداتی دست‌به‌دست یکدیگر دادند تا قیمت تمام‌شده تولید را به شکل غیرمنتظره‌ای افزایش دهند. همه این فشارها و افزایش هزینه‌ها در شرایطی رخ داد که از نظر رقابتی هیچ بهبودی در وضعیت تولیدکنندگان رخ نداده است. تحمل این فشارها برای جامعه کارفرمایی کشور کار آسانی نیست و هم‌اکنون نیز این مبارزه جدی برای عبور از وضع فعلی با شدت ادامه دارد. از یک سو کارفرمایان نمی‌خواهند و نمی‌توانند به‌عنوان گزینه اول سراغ تعدیل نیروی انسانی بروند و از سوی دیگر سیستم قیمت‌گذاری و سرکوب قیمت‌ها نیز اجازه افزایش قیمت را به شرکت‌ها نداده و نمی‌دهد. به‌این‌ترتیب تولیدکنندگان و کارآفرینان کشور در منگنه‌ای قرار گرفته‌اند که از یک‌سو با افزایش هزینه‌های مربوط به تولید روبه‌رو هستند و از سوی دیگر اجازه افزایش قیمت‌ها به تولیدکنندگان داده نمی‌شود؛ یعنی مانند موضوع کاهش قدرت خرید کارگران به‌عنوان یکی از ارکان تولید که برای آنها مشکلاتی را ایجاد کرده است، بنابراین وقوع این مشکلات تولیدکنندگان و کارفرمایان را نیز با سختی‌ها و دشواری‌هایی مواجه کرده است. در این شرایط عملا امکان جبران قدرت خرید کارگران از سوی کارفرمایان ممکن و میسر نیست؛ بنابراین شاید این یک مقطع تاریخی است که دولت محترم باید به صحنه بیاید و با تعریف سازوکارها و نظامی جبرانی، شرایطی را فراهم کند که کارفرمایان بیشتر از این تحت فشار قرار نگیرند و گشایشی نیز در زندگی کارگران اتفاق بیفتد. راه‌های متفاوتی هم برای آن وجود دارد. دولت می‌تواند از ابزارهایی مانند کاهش نرخ مالیاتی یا تقبل بخشی از حق بیمه تأمین اجتماعی کارگران استفاده کند تا شرایط بهتری را در بخش تولید فراهم کند. همچنین دولت می‌تواند بخشی از هزینه‌هایی را که در سبد معیشت کارگران طبق قانون بر عهده دولت است، پوشش بدهد. تأمین حداقل دو آیتم مهم هزینه آموزش و درمان در سبد معیشت کارگران به شکل مستقیم و طبق قانون اساسی جزء وظایفی است که دولت بر عهده دارد و می‌تواند در این مقطع با رایگان‌کردن آن به شکل واقعی در وضعیت معیشت کارگران کشور تغییر مثبتی ایجاد کند.

خبر

واردکنندگان باسابقه در اولویت تخصیص ارز

● معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: این وزارتخانه درخواست ارز متقاضیانی را که سال‌های گذشته فعالیت وارداتی داشته‌اند، در اولویت قرار می‌دهد تا به ثبت سفارش‌ها سرعت دهد. به گزارش مهر، رضا رحمانی با بیان این مطلب افزود: دولت به این نتیجه رسیده است که متقاضیان ارز رسمی باید دوباره ارزیابی شوند و برای دریافت آن به معاونت‌های مختلف این وزارتخانه مراجعه کنند. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه تاکنون نزدیک به ۸۰ هزار رکورد از ثبت سفارش‌ها به وزارت صنعت، معدن و تجارت رسیده که بررسی آنها کاری زمان‌بر است، گفت: در این زمینه، مقرر شد درخواست افرادی که سال گذشته نیز متقاضی ارز بوده‌اند با یک نوسان ۲۰درصدی پذیرفته شود.

خطر بازگشت رکود تورمی به مسکن

● برآوردها و بررسی‌ها از تلاقی دو بُردار اصلی نمودار بازار مسکن (قیمت و تعداد معاملات) در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد بار دیگر رکود تورمی به بازار مسکن بازگشته است و به دلیل کاهش قدرت خرید مسکن خانوارها و ناکارآمدبودن تسهیلات خرید مسکن، بسیاری از مصرف‌کنندگان واقعی از این بازار کوچ کرده‌اند. با توجه به اینکه قیمت اوراق تسهیلات مسکن تحت‌تاثیر افزایش یا کاهش عرضه و تقاضای خرید و فروش مسکن قرار دارد، در ماه‌های ابتدایی امسال، قیمت اوراق تسهیلات مسکن به کانال ۷۰ هزار تومان وارد شد. به گزارش مهر، در روزهای اخیر و با کاهش حجم معاملات مسکن، نرخ این اوراق نیز بار دیگر به کانال ۶۰ تا ۶۵ هزار تومان بازگشته است. این واکنش بازار در حالی است که بانک عامل بخش مسکن اعلام کرده قرار است سقف تسهیلات مسکن از محل اوراق تسهیلات در صورت موافقت بانک مرکزی از ۶۰ میلیون تومان به ۸۰ میلیون تومان در تهران افزایش یابد. احتمالا واکنش نشان‌ندادن بازار اوراق تسهیلات مسکن به این اقدام بانک عامل بخش مسکن، به دلیل ناچیزبودن این افزایش سقف تسهیلات خرید مسکن در برابر جهش ناگهانی قیمت مسکن است و افزایش ۲۰میلیون‌تومانی سقف تسهیلات خرید مسکن نمی‌تواند بازهم بسیاری از تقاضاهای خرید مصرفی مسکن را پوشش دهد.